

### ۳۱ سال بعد از فاجعه بمباران حلبچه مصاحبه نشریه سهند با نسرين رضانعلی

صفحه ۲



### مردم ایران با انسانیت و همبستگی انسانی پاسخ محکمی به تهدید حکومت می دهند!



جمهوری اسلامی کمک های مستقیم مردم را ممنوع کرده، حساب های کمک به سیل زدگان را مسدود کرده و کسانی که در مورد این فاجعه خبررسانی میکنند را به اتهام بزرگنمایی مورد تهدید قرار داده است.  
**زنده باد همبستگی مردم برای کمک رسانی به سیل زنگان!**

### اطلاعیه های کمیته کردستان حزب \*کومه در سرایشب یک قهقرای سیاسی

صفحه ۵

### \*در پاسخ به دبیرخانه کمیته مرکزی کومه

### سیل بنیان کن میلیونی مردم در ایران میتواند به این فاجعه پایان دهد

عبدال گلپریان

بزرگترین اتفاقات طبیعی حداقل طی یک قرن اخیر در کشورهای مدرن غربی و با استفاده از دستاوردهای مهندسی و تکنولوژی، امروز بدانجا رسیده است که قادر است بر هر گونه تغییرات جوی و طبیعی غلبه کند.

اما همین دست از وقایع از جمله سیل، زلزله، رانش زمین و ریزش کوه و غیره در ایران تحت حاکمیت باندها و مافیای اسلامی را نمیتوان در لیست وقایع طبیعی محسوب کرد. آنجایی هم که یک اتفاق طبیعی رخ داده باشد برای یک حکومت آدمکش جان و مال مردم پیشیزی ارزش ندارد که بخواهد کاری صورت دهد.

اگر دستاوردهای انسان در قرن بیست و یک قادر است مانع از هر گونه خطرات جوی شود، در یک نقطه جغرافیایی بر روی این کره خاکی جانورانی حکم میرانند که ظرفیت نابودی همه چیز را بر روی این کره خاکی در خود نهفته دارند و میتوان آنها جزو فجایع عمدی در محیط زیست از سوی حشرات اسلامی حاکم بر ایران محسوب کرد.

اکنون دیگر نه تنها کارشناسان و مخالفین کل حکومت اسلامی بلکه کاربدستان درون همین نظام نیز یکی پس از دیگری پرده از روی فجایعی که نظام اسلامی در امر نابودی محیط زیست برای یک جامعه هشتاد میلیونی فراهم کرده اند بر میدارند.  
صفحه ۴

### اطلاعیه های حزب

صفحه ۶

\*سیل زدگان آق قلا دست به تجمع اعتراضی زدند

\*مردم شیراز خواهان استعفاى وزیر شدند

\*علیه فاجعه سیل و علیه فاجعه جمهوری اسلامی!

### نبض کومه له کجا میزند؟

صفحه ۷

عبدال گلپریان

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## ۳۱ سال بعد از فاجعه بمباران حلبچه مصاحبه نشریه سهند با نسرین رمضانعلی

از این حمله دارید؟

**نسرین رمضانعلی:** بزارین اولین مشاهده خودم رو بگم! مسیری را باید طی میکردم. مسیری تقریباً کوهستانی بود. آغاز فصل بهار بود و قله ها همچنان برف پرورش نشسته بود. در دامنه، کوهها سبز بود و شقایقها رویده بودند، در میان این سبزی و سرخی شقایقها جنازه کودکی را دیدم، تن این کودک سیاه شده بود، خیلی وقتها با کابوس تن بیجان و سیاه شده این کودک از خواب امروز هم میپریم. نمیدانم چه مدتی طول کشید تا تمامی این جنازه ها در مناطق جمع شود. شاهد کوچ مردم بی خانمان بودم. شاهد اردوگاه آوارگان سریاس بودم. چادرهایی که هیچ امکاناتی نداشت، جلوی چادرها آتیش روشن بود. باران میبارید و صدای گریه کودکان و فریاد پدران و مادران بود. از یک طرف مردم پیاده مجبور به ترک شهر بودند و از سمت دیگر نیروهای جنایتکار اسلامی و احزاب ناسیونالیست و نیروهای جمهوری اسلامی جنایتکار. شاهد بودم سربازان عراقی که صدام حسین با منفجر کردن پل ارتباطی دربندی خان جای و امکان ارتباطی برای فرار نیروهای خودش هم نگذاشته بود درمانده و زبون به ما مراجعه کردند برای مداوای زخمیهایشان و نمیدانم چقدر نیروی ارتش عراق در این منطقه بود همه قتل عام شدند. در این جنگ همه قربانی بودند. هر کدام بشکلی و بنحوی! قربانی سیاستهای جنگ طلبانه دولتها!

**سهند:** بنظر شما چرا دولت عراق دست به این اقدام زد؟

**نسرین رمضانعلی:** جنگ ایران و عراق ابعاد وسیعی داشت. دولت فاشیستی صدام حسین و ارتش عراق برای جلوگیری از حملات ارتش و نیروهای حکومت جنایتکار اسلامی به این منطقه حمله کردند. همکاری نیروهای احزاب گرد اتحادیه میهنی (جلال طالبانی) و حزب دمکرات کردستان عراق (مسعود بارزانی) دو طرفه بود



دولت جنایتکار و فاشیستی در جریان بود، قربانیان شهروندان سوید بودند. قربانیان سربازانی بودند که به اجبار به جنگ فرستاده میشدند، در هر حمله ای هزاران سرباز خود را تسلیم دو ارتش میکردند، چرا که حتی دلیل این جنگ را نمیدانستند به امید زندگی خود را تسلیم میکردند تا شاید این تسلیم و اسارتشان پایانی باشد برای این جنگ خانمان سوز و فاجعه بار!

اما بر گردم به سوال شما همانطوری که اشاره کردم ابعاد این فاجعه وحشتناک بود. همچنین خیلها این فجایع را با فاجعه "هیروشیما" و "ناکازاکی" هم طراز میدیدند. من در سالهای اخیر مجدداً به این مناطق سفر کردم، متأسفانه همچنان تعداد زیادی از کودکان بعد از این فاجعه با معلولیت متولد میشوند.، با همچنان کودکانی که از این فاجعه جان سالم بدر بردند نیازمند دارو و درمان و مراقبتهای پزشکی با امکانات رفاهی و درمانی، هستند، به دلیل کمبود امکانات پزشکی و مراقبتهای درمانی و بهداشتی تعدادی از بازماندگان فاجعه حلبچه به مرور و در سنهای جوانی درگذشته اند. به لحاظ روحی - روانی زخم عمیقی بر قلبهایشان نشسته است وقتی از این فاجعه صحبت میکنند بی اختیار اشکهایشان سرازیر میشود.

اگر هر کدام از این تصاویر را کنار هم بگذاریم شاهد خواهیم بود این فاجعه با گذشت ۳۱ سال تأثیرات مخرب انسانی و روحی بر انسانها و حتی محیط زیست نیز همچنان باقی مانده است.

**سهند:** خود شما چه مشاهداتی

**سهند:** در روزهای آخر سال ۱۳۶۶ حکومت عراق شهر حلبچه و مناطقی از کردستان عراق را مورد حمله شیمیایی قرار داد که موجب کشته و مجروح شدن هزاران نفر شد. ابعاد این فاجعه به چه میزان بود؟

**نسرین رمضانعلی:** ابتدا اجازه بدین بگم معمولاً این روزهای پایانی سال برای من بسیار سخت است و یادآور فاجعه ای است که با گذشت ۳۱ سال همچنان عین کابوسی وحشتناک خواب از چشمانم میگیرد! تلاش کردم به موقع به سوالات شما پاسخ بدهم متأسفانه موفق نشدم. اما از ابعاد این فاجعه نوشتن آسان نیست. یک فاجعه انسانی که در کمترین مدت زمان بر اساس گزارشات بیش از ۵ هزار انسان بیدفاع (ساکتین یک شهر زن و مرد و کودک و سالمند) قتل عام شدند. انسانهایی جانباختند که جنگ را از آن خود نمیدانستند. بیش از ۵ هزار نفر قربانی جنگ ارتجاعی ایران و عراق و معامله و بند و بست احزاب کردی شدند. در چند ساعت شهر ویران شده، همه جا جنازه بود و جنازه انسانهایی که چند ساعت قبل از این فاجعه به زندگی، به تحصیل، به بازی در پارک شهر و با آرزوهایشان زندگی میکردند. البته باید تأکید کنم در این منطقه مرزی بارها مردم بدلیل فشار بمباران و جنگ و لشکر کشی ارتش و نیروهای فاشیست بعث عراق و ارتش و سپاه پاسداران حکومت جنایتکار اسلامی مجبور به کوچ و دوری از خانه و محل مسکونیشان شده بودند و بارها مناطق را تخلیه کرده بودند. خلاصه حلبچه مرز ایران و عراق است، در این سالها که جنگ دو

فاجعه بزرگ در سکوت مرگبار رسانه ها و دولتهای غربی دفن شد. دلیلش هم فروش تمامی این تسلیحات نظامی و جنگی و شیمیایی توسط دول غرب صورت گرفته بود.

**سهند:** آیا این درسته که با وجود اینکه صدام رسماً اعلام کرده بود که حلبچه را بمباران شیمیایی خواهد کرد و از مردم غیر نظامی خواسته بود که منطقه را ترک کنند، اما جلال طالبانی مانع تخلیه مردم شد و بنابراین چندین هزار نفر مردم بی دفاع قربانی شدند؟ اگر درست است به چه دلیل جلال طالبانی اینکار را کرد؟

**نسرین رمضانعلی:** تا انجای که من یادم بیاد و خیلی از کتابهای که نوشته شده است توسط فرماندهان وقت اتحادیه میهنی چنین چیزی را هیچ کسی مدعی نشده است. اینکه دولت صدام حسین از هیچ جنایتی دوری نخواهد کرد معلوم بود. بمباران شیمیایی حلبچه هم اولین بمباران نبود خیلی بیشتر دولت بعث شهر سردشت و مناطقی را بمباران شیمیایی کرده بود. در نوشته ها و گفته های مسئولین وقت گفتند هیچ کسی انتظار نداشته است که این منطقه بمباران شیمیایی شود. بمباران شیمیایی نقشه های بعدی جمهوری اسلامی و اتحادیه میهنی را به هم ریخته است، بنابراین شخصاً جای ندیدم که این حکومت جنایتکار چنین چیزی را اعلام کرده باشد.

**سهند:** در هنگام حمله شیمیایی شما عضو گردان شوان کومله (سازمان کردستان حزب کمونیست) بودید که مورد حمله نیروهای جمهوری اسلامی قرار گرفت. و شما یکی از دو نفر اعضای این گردان بودید که از این حمله جان بدر بردید. حمله شیمیایی عراق در سرکوب گردان شوان چه تأثیری داشت؟

**نسرین رمضانعلی:** حقیقتاً یکسری از این بمبهای شیمیایی سیستم عصبی را مستقیم مورد هدف قرار میداد. تنها این نبود که گازهای خفه کننده باشد. بنابراین این بمباران و در منطقه ای که



## از صفحه ۲ ۳۱ سال بعد از فاجعه بمباران حلبچه...



بمباران شیمیایی بود و ما خودمان ابتدا در این زمینه تجربه ای نداشتیم. حتی راه مقابله با گازهای شیمیایی را بلد نبودیم. این بمباران بر گردان شوان تاثیر مستقیم داشت. بطوری که تعداد زیادی از رفقا حالشان بشدت بد شده بود. بشدت این گازها بر بینایی ما تاثیر گذاشته بود. تقریباً اون روز و شب تا روز بعدش هنوز خیلی از رفقا قدرت دیدشان بشدت ضعیف شده بود. تعدادی همچنان حالت تهوع داشتند. تعدادی مدام استفراغ میکردند. همچنان که اشاره کردم این گازها سیستم عصبی را نیز مورد حمله قرار میداد. شخصاً فکر میکنم قدرت ما را صدها برابر کاسته بود. در عین حال این ترکیب گردان شوان صرفاً رزمی نبود، بلکه تعدادی از رفقای همراه ما برای دیدن و مهمانی آنجا حضور داشتند. نزدیک نوروز بود برای عید دیدنی رفقای بودند که هیچگاه در واحدهای رزمی حضور نداشتند. اما در این ایام مهمانان نوروزی ما بودند.

**سهند:** کومه له بعد از حمله شیمیایی در چه موقعیتی بود و چه اقداماتی انجام داد؟

**نسرين رضاعلی:** من بعد از واقعه حلبچه مدتی نسبتاً طولانی در منطقه نبودم، مخفی بودم در تلاشی شبانه روزی برای پیوستن به کومه له بودم. انقدر میدانم ورود من به اردوگاه برابر بود با کنگره ۵ کومه له مقابل سالن کنگره من پیاده شدم. من از نزدیک شاهد اقدامات کومه له نبودم، اما اطلاع دارم که برای نجات و بیرون آوردن نیروهای گردان شوان اقدامات جدی را در دستور گذاشته بودند.

اما در مورد وضعیت کومه له در این مقطع تاریخی باید اشاره بکنم. در داخل ایران تمامی مناطقی که زمانی آزاد بود به تصرف جمهوری اسلامی در آمده بود. جمهوری اسلامی يك سیاست را داشت در تمامی این سالهای که جنگ پارتیزانی داشتیم. توان مقابله با نیروی ما را نداشت، با تمامی تجهیزات جنگیش در مقابل جنگ پارتیزانی بخشا شکست خورده بود. اما واقعیت تلخ برای نیروی ما در این تاریخ مردم بودند. رژیم زوروش به ما نمرسید با توپ باران و خمپاره باران روستاها و خانه خرابی مردم، محاصره اقتصادی منطقه و اذیت و آزار، دستگیری مردم بی دفاع و بجرم همکاری با نیروهای پارتیزان،

لازم است این نکته را نیز اشاره بکنم. مناطقی که ما بعنوان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران کومه له مستقر بودیم، سیاست بدون هیچ قید و شرطی بود! و بخشا در این مقطع زمانی همکاری



بین نیروهای اتحادیه میهنی و کومه له خیلی مشهود بود. بخصوص وقتی دولت جنایتکار صدام حمله به مناطق کردستان عراق را آغاز کرد. نیروهای ما در اردوگاه مرکزی به نیروهای پارتیزان کردستان عراق کمک میدیدیم داشتند. در عین حال دولت عراق نیز میدانست که نیروهای ما هم مردم کردستان عراق را کمک میکنند هم نیروهای پیشمرگ بخصوص در این مناطق یکیتی بود مورد حمایت هستند!

اوضاع به نفع ما نبود باید با حساسیت بیشتری به این مسئله برخورد میشد که مثل سازمان کردستان حزب کمونیست ایران کومه له اگر امروز به همین تاریخ بنگرم ممکن است خیلی کارهای دیگر انجام میدادم هم برای حفظ نیرو و هم برای سرپا نگه داشتن کومه له و چپ در منطقه!

**سهند:** بعنوان يك شاهد بعد از گذشت ۳۱ سال از این فاجعه بزرگ چه پیامی برای مخاطبان خود دارید؟

**نسرين رضاعلی:** این سوال اخر حقیقتاً در عین سادگی سخت هست!

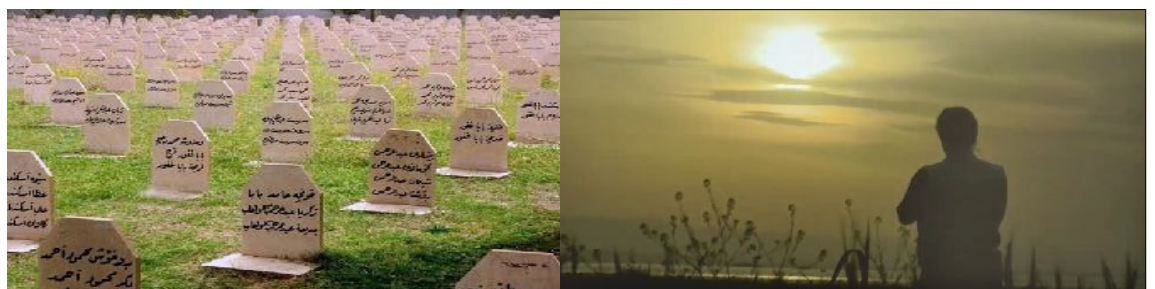
قبل از هر چیزی به تمامی بازماندگان این فاجعه انسانی در حلبچه در ۳۱ سال تسلیت میگم و یاد عزیز تمامی این مردمی که

جنگ را از آن خود نمیدانستند گرامی خواهم داشت. در مقابل عزم جزم دهها خانواده گردان شوان که در کناره دریاچه سیروان در جنگی نابرابر تا آخرین فشنگ جنگیدند سر تعظیم فرود میآورم. هر ساله این روزها برابم سخت است و هر ساله این روزها ثانیه به ثانیه این تراژدی انسانی مقابل چشمانم است.

میخواهم به همه مردم بخصوص جوانان بگم! برای آزادی برای يك زندگی انسانی باید هزینه ها داد. اما جنگ دولتها جنگ ما نیست! مردم متنفر و منزجر از جنگ هستند. جنگ یعنی قتل عام و نسل کشی! جنگ یعنی بمبها هیچ کسی را نمیشناسد که خروار خروار بر سر مردم بی دفاع ریخته میشود.

جنگ یعنی ویرانگری، در مقابل هر جنگی باید بشریت متمدن بایستد و مقابله کند. انسان یکبار متولد شده است میخواهد زندگی کند. صاحبان پول قدرت فرزندان خودشان را در ناز نعمت بزرگ میکنند، بهترین دانشگاهها میفرستند. تا فرداها همین انگلها بر سر ما و مردم حاکمیت بکنند. تا دوباره موقعیتشان بخطر افتاد فرزندان ما مردم ما تهدستان، ما کارگران و زحمتکشان را بفرستند جنگ، اره فرزندان کارگران زحمتکشان با نام نامی ناموس، خاک و پرچم به جنگ بفرستند! تا این انگلهای زندگی راحت خودشان را داشته باشند. پیام این است امیدوارم شعور بشریت بجای برسد در هیچ جنگی هیچ کسی شرکت نکند.

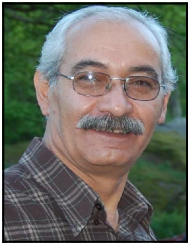
\*\*\*





## سیل بنیان کن میلیونی مردم ...

از صفحه ۱



خود به مصاف با هیولای زخم خورده اسلامی در میادین و خیابانها حضور داشته و همچنان به این اعتراضات ادامه میدهند، اما "نعمت دست ساز نمایندگان خدا بر روی زمین" برکتی برای به حاشیه راندن اعتراضات و مبارزاتی است که قادر است کل این بساط ویرانگر را جارو کند.

دستگاه مافیای اسلامی در ایران بر این اوضاع دردناک نقطه پایانی بگذارد.

فاجعه ای که بخش عظیمی از کشور را فراگرفته است میتواند عامل کارساز و کوبنده ای برای تعرض میلیونی و سراسری به حکومتی درمانده باشد که بجز غارت، چپاول، کشتار، فقر، فلاکت و نابودی زندگی مردم امر دیگری ندارد. سیل بنیان کن میلیونی مردم میتواند به این فاجعه پایان دهد.

۱۳ فروردین ۹۸



### منزلت، معیشت حق مسلم ماست

این فریاد کارگران و معلمان و بازنشستگان ایران در مقابل حکومت توحش اسلامی سرمایه داران است. در عصر پیشرفتهای شگرف بشری، ارتجاع سرمایه داری یک باتلاق متعفن را بنام جامعه بر انسانها حاکم کرده است. این را نمی پذیریم! تحقیر و بی اختیاری و زندگی زیر فقر را پایان خواهیم داد. انقلابی برای اعلام پایان عصر توحش و آغاز جامعه انسانی در ایران به حرکت در آمده است. انقلاب ضد مذهب، انقلاب ضد نابرابری و فقر، انقلاب ضد استثمار و ضد چپاول و ضد ارتجاع حاکم، انقلابی که بر پرچم آن نفی زندان و اعدام و فقر و تبعیض حاکم شده است. انقلابی که رفاه و آزادی و شادی را برای تک تک افراد جامعه تضمین میکند. کارگران و مردم ایران با شعار منزلت و معیشت و آزادی عزم کرده اند که حاکمیت مفتخوران اسلامی سرمایه دار را برای همیشه از سر جامعه جارو کنند. منزلت و رفاه و آزادی با قدرت انقلاب ما به قانون بی چون و چرای جامعه تبدیل خواهد شد

زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه ای انسانی!  
حزب کمونیست کارگری

ممنوعیت کمکهای مردمی، دستگیری و زندانی کردن فعالین محیط زیست و نظاره گر تداوم يك فاجعه انسانی، تنها کاری است که دارودسته های مافیای اسلامی در قبال این وضع بر عهده دارند. بانئ و مصعب نابودی محیط زیست طی چهل سال اخیر در ایران، از نابودی جنگل و جنگل خواری، زمین خواری و دکل خواری گرفته تا بالا کشیدن تمامی منابع و هستی يك کشور، حاکمیت اسلامی و شبکه مافیای قاچاق این دارودسته ها است که چنین فجایع انسانی و زیست محیطی و خانه خرابی را برای مردم بوجود آورده اند.

شکوه و گلایه هایی مبنی بر اینکه "مقامات و مسئولین کجا هستند که به فریاد مردم برسند" انتظار و توقع بی ربطی به اوضاع کنونی است چرا که بانیان و مصعبان اصلی این فاجعه خود در خلق آن عمیقا سهیم هستند و آنرا "امتحان و برکات الهی" نام نهاده اند. برای رژیمي که جان آدمیزاد را برای بقای خود و تداوم این وضعیت دهشتناک میگیرد و هستی هشاد میلیون انسان را غارت کرده است نمیتوان انتظار داشت که به چنین فاجعه ای که در خلق آن نقش اصلی را داشته است سروسامان دهد و جان و هستی مردم را حفظ کند.

مردم برای خلاص شدن از این گنداب اسلامی هر روز با تجمعات، اعتصابات و راهپیمای اعتراضی

### درد و رنج و نگرانی مردم در استانهای مختلف کشور به مرز غیر قابل تحملی رسیده است!



سیل زدگان باید بلافاصله در بهترین امکانات موجود از هتل ها و ساختمان های دولتی و ویلاهای مقامات و آیت الله ها اسکان داده شوند و زندگی آنها تماما تامین شود.

بابت تمام زیان های مالی هزاران نفر که دار و ندارشان را در استانهای سیل زده از دست داده اند، حکومت باید بدون معطلی غرامت پرداخت کند.

### مصائب سیل تماما به عهده حکومت است!



حکومت باید کلیه خسارت هایی که مردم دیده اند جبران کند!

### حکومت و ارگان های مختلف آن مسبب فاجعه سیل هستند!



تمام مقامات و مدیران و مسئولان و آیت الله هایی که بدلیل جنگل خواری و تصمیمات سوجدویانه، در ایجاد این فاجعه و قربانی شدن دهها نفر از مردم بیگناه، نقش مستقیم داشته اند باید دستگیر و محاکمه شوند.

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358405758250

E-mail: abdolgolparian3@gmail.com

## کومه در سرایشب یک قهقرای سیاسی

کومه سازمان کردستان حزب کمونیست ایران اخیرا در تاریخ پنجم مارس ۲۰۱۹ قطعنامه ای را همراه ۲۳ گروه دسته و سازمان و حزب ناسیونالیستی و اسلامی کرد امضا کرده است. این قطعنامه در کمیته ای به اسم "کمیته دیپلماسی" این احزاب تصویب شده است. خود این کمیته به ابتکار پ.ک.ک سر هم بندی شده است و قطعنامه آن با ادبیات و سیاست پ.ک.ک و در حمایت از سیاستهای این حزب در منطقه تدوین شده است.

در این قطعنامه تنها دو مورد به مسائل کردستان ایران اشاره شده است که بسیار گویا و شاخص است: یکی این است که جمهوری اسلامی به "مردم کرد در کردستان ایران (شرق کردستان) فشار! می آورد. دوم از همه احزاب "شرق کردستان" (منظورشان احزاب ناسیونالیست و اسلامی کرد در کردستان ایران است) خواسته است که با همیگر متحد بشوند."

چیزی که در همین دو بند مشهود است این است: تمام سرکویگرها و قتل عامها و فقر و فلاکت و ویرانیهایی که جمهوری اسلامی بانی آن علیه مردم بوده است به "فشارهایی! علیه مردم کردستان" تنزل داده شده است. مهمتر از آن مردمی که در ابعاد کل ایران علیه این رژیم پیاخاسته و به انحاء مختلف اعتراض و ناراضیتی شان را اعلام کرده اند و خواهان سرنگون کردن این رژیم هستند در این قطعنامه یک کلمه هم به آن پرداخته نشده است یک کلمه از سرنگونی جمهوری اسلامی در این قطعنامه حرف زده اند. و حتی یک کلمه در مورد مبارزات مردم در سراسر کشور که برای سرنگونی این حکومت پیاخاسته اند اشاره نشده است. به این دلیل که پ.ک.ک و سازمانهای اقمارش که گرداننده اصلی این نشست و تنظیم کننده بیانیه هستند خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی نیستند. نه تنها این بلکه پ.ک.ک و متحدینش خود را در قطب جمهوری اسلامی و اسد میدانند و سرنگونی آنها را به ضرر خود میدانند.

این قطعنامه که تماما سیاستهای پ.ک.ک را نمایندگی میکند و با ادبیات آنها نوشته شده است و امضای آن از طرف جریانانی مانند اتحادیه میهنی و حزب گوران (جنبش تغییر) و پ.ی.د. و حزب اسلامی کردستان و حزب رزگاری کردستان و انجمن ایزدیهها و حزب شیوعی کردستان... دلایل پایه ای تری دارد، همه آنها کم و بیش جایگاه خود را در قطب بندیهای منطقه مشخص کرده و در قطب اسد و جمهوری اسلامی و حزب الله... و قرار گرفته اند. اما کومه له که خود را یک جریان چپ میدانند و خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی است، با امضا و تایید این قطعنامه و سیاستهای مندرج در آن نه تنها نزدیکی اش به کمپ ناسیونالیستهای این قطب را آشکار میسازد، بلکه نزدیک شدنش به این قطب منطقه ای خلاف سیاستهای مصوب خود این سازمان و یک چرخش جدی بطرف جریانات ناسیونالیست و ارتجاعی کرد است.

متاسفانه پیام مشترک پژاک و کومه به مناسبت نوروز سال ۹۸ که بعد از انتشار این قطعنامه اتفاق افتاد نشان میدهد که جناح راست کومه تصمیمش را گرفته است که وارد همکاری و نزدیکی با کمپ دیگری از ناسیونالیستهای کرد بشود.

کومه چند سال قبل با اشتیاق وارد پروسه سازمان دادن کنفرانس ملی کرد شد و با نقد کمونیستها در داخل و خارج خود مواجه شد و بعد از اینکه به دلیل اختلاف پ.ک.ک و بارزانی آن کنفرانس به نتیجه نرسید بقیه شرکت کنندگان از جمله کومه به خانه برگشتند و در نقش مهمان هم کسی برای آنها حسابی باز نکرد.

امروز با انتشار این قطعنامه یک بار دیگر شاهد تلاش جناح پ.ک.ک برای زنده کردن آن پروژه هستیم و جریانات کمپ رقیب (بارزانی و احزاب دمکرات کردستان و سازمان زحمتکشان و...) در این اقدام پ.ک.ک حضور ندارند. پ.ک.ک و پژاک از جانب همه احزاب کردستان و ایران، بدلیل مناسبات نزدیکی که با جمهوری اسلامی

دارند طرد شده هستند در چنین شرایطی که هیچ حزبی در ایران و کردستان ایران حاضر به همکاری و نزدیکی با پژاک و پ.ک.ک نیست کومه سازمان کردستان حزب کمونیست ایران خود را در کمپ آنها یافته و به عنوان متحد آنها ظاهر شده است.

با این سیاست عملا کومه وارد پروسه ای شده است که این سازمان را به سازمانی از اقمار پ.ک.ک و اتحادیه میهنی تبدیل میکند و اگر ادامه پیدا کند چیزی از کومه بعنوان یک سازمان چپ و سرنگونی طلب باقی نمیگذارد. کومه تا وقتیکه رسما و علنا سیاست روشنی در قبال پ.ک.ک و پژاک اتخاذ نکند و نشست و پیام مشترک با پژاک و این قطعنامه که امضای کومه را بر خود دارد را نقد و رد نکند، نمیتواند انتظار همکاری با کمونیستها داشته باشد.

ما همه کمونیستها از جمله اعضا و کادرهای چپ خود کومه را فرامیخوانیم که در مقابل این سیاست صف محکمی تشکیل دهند. سرنوشت و آینده کومه که بخشی از تاریخ چپ در کردستان است را نباید گذاشت این چنین به حراج گذاشته شود.

کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۹ فروردین ۱۳۹۸  
۲۹ مارس ۲۰۱۹  
.....

## در پاسخ به دبیرخانه کمیته مرکزی کومه

دبیرخانه کمیته مرکزی کومه در پاسخ به اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری، اعلام کرده است که امضای آنها پای اطلاعیه مشترک جریانات ناسیونالیست و اسلامی کرد یک اشتباه فنی بوده و امضای آنها بدنبال تماس با این جریانات حذف شده است.

قبل از هرچیز خوشحالیم که کومه مدعی است که چنین بیانیه

ای را امضا نکرده است. اما این کافی نیست. اطلاعیه کومه بیش از آنکه فاصله اش را با این جریانات توضیح دهد، متاسفانه نزدیکی و تفاهمش را با آنها توضیح داده است. میگویند در بسیاری از نشست های این جریانات شرکت داشته و بعضا مواضع مشترکی را با آنها اعلام کرده اند. چندین سوال مقابل کومه قرار میگیرد:

اولین سوال از کومه این است که از نشست های مشترک و مواضع مشترک با جریانات ناسیونالیست و اسلامی و نزدیک به جمهوری اسلامی چه هدفی تعقیب میکنید؟ صرف اینکه اینها کرد هستند برای این درجه همکاری و تفاهم کافی است؟ اولین انتظار از یک سازمان چپ و سرنگونی طلب این نیست که بجای همکاری با جریانات اسلامی و پرو جمهوری اسلامی آنها را طرد کند؟

دوم اینکه ۲۵ روز از اطلاعیه کذایی که با امضای کومه منتشر شده است میگذرد و کومه لام تا کام علنی چیزی نگفته، نه اعتراضی به این جریانات بخاطر اضافه کردن امضای کومه پای این اطلاعیه کرده و نه کوچکترین نقدی به موضع سازشکارانه این اطلاعیه با جمهوری اسلامی کرده است. دلایلش روشن است. صریحا نوشته اند که نمیخواهند "لطمه ای به مناسبات دوستانه شان با این نهاد" وارد شود. آیا خود این یک موضع آشکار سیاسی در جهت نزدیکی بیشتر و حل شدن در این جریانات نیست؟

سوم اینکه، گفته اند حزب کمونیست کارگری مورد اعتماد نیست. دوستان گرامی بستگی دارد یک حزب سیاسی قصد جلب اعتماد چه جریاناتی را داشته باشد. ما موضع سیاسی مان را اعلام کرده ایم و همچنان تلاش میکنیم نگذاریم کومه به سادگی در میان جریانات اسلامی و نزدیک به جمهوری اسلامی غرق شود. اما کومه متاسفانه جلب اعتماد این جریانات را قطب نمای خود قرار داده است و چنان درمورد آنها دست و دل باز است که آماده است فاصله اش را با کمونیست ها بیشتر کند تا نه تنها به رابطه با این جریانات لطمه

نخورد بلکه "اعتماد" آنها را بیشتر بخود جلب کند. آیا این همان قهقرایی نیست که در اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری به آن اشاره شده است؟

میگویند باید تماس میگرفتیم تا خصوصی به ما اطلاع بدهند که قضیه امضای آنها پای این اطلاعیه مشترک چه بوده است! این دیپلماسی تشکیلاتی است تا به یک روش سیاسی مدرن و باز؟ شما حتی اعضای خودتان را هم از چند و چون این روابط مطلع نکرده اید. آیا خودتان را در قبال اعضای خودتان و مردمی که خواهان طرد جریانات اسلامی و نزدیک به جمهوری اسلامی هستند مسئول نمیدانید؟

کومه با اتخاذ این رویکرد که متاسفانه بنظر میرسد روزبروز عمیق تر میشود، وارد پروسه ای شده که این سازمان را به سازمانی از اقمار پ.ک.ک و اتحادیه میهنی تبدیل میکند و اگر ادامه پیدا کند چیزی از کومه بعنوان یک سازمان چپ و سرنگونی طلب باقی نمیگذارد. ما هنوز امیدواریم که کومه در این رویکرد تجدید نظر کند. این رویکرد و ادامه رابطه با جریانات اسلامی و نزدیک به جمهوری اسلامی هزینه سنگینی برای کومه خواهد داشت. ما جدا به کومه هشدار میدهیم.

و بالاخره همانطور که در اطلاعیه قبلی اعلام کردیم تا وقتیکه کومه رسما و علنا سیاست متفاوتی در قبال پ.ک.ک و پژاک و همینطور جریانات اسلامی اتخاذ نکند، نمیتواند انتظار همکاری با کمونیستها داشته باشد. ما همه کمونیستها از جمله اعضا و کادرهای چپ خود کومه را فرامیخوانیم که در مقابل این سیاست صف محکمی تشکیل دهند و جناح راست و ناسیونالیست کومه را برای تجدید نظر در این عقبگرد سیاسی تحت فشار قرار دهند.

کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۰ فروردین ۱۳۹۸  
۳۰ مارس ۲۰۱۹



دانشجویان و فعالین جنبشهای اعتراضی تبدیل شد. تجربه سیل یکبار دیگر ضرورت و مطلوبیت اداره شورائی جامعه را در برابر چشم همگان قرار میدهد. اگر مردم امور را در دست داشتند، حوادثی نظیر سیل اخیر در چنین ابعادی اتفاق نمی افتاد و چنین عوارض و عواقب دهشتناکی نداشت.

موجی که برای امداد رسانی به قربانیان سیل در جامعه به راه افتاده است، نمونه عملی متشکل شدن و فعال شدن ما مردم برای در دست گرفتن امور خود است. هم اکنون شبکه های امداد رسانی به سیل زدگان در سراسر کشور شکل گرفته و فعال شده است. این شبکه ها را باید گسترش داد، باید در برابر اقدامات حکومت برای ممانعت از کمک رسانی مردمی ایستاد و آنرا خنثی کرد، باید حکومت را مجبور کرد خسارات ناشی از سیل را جبران کند، و در دل این تجربه باید ایده و خواست بدست گرفتن امور خود و اداره شورائی جامعه را هرچه بیشتر گسترش داد و آنرا تثبیت کرد. نه تنها برای به حداقل رساندن عواقب فجایعی نظیر سیل و زلزله بلکه برای پاسخگونی به فساد و چپاول و بی تامینی و فقر و بی حقوقی که در جامعه بیدار میکند باید متشکل شد، جمهوری اسلامی را بزیر کشید و اداره جامعه را خود در دست گرفت. تنها حکومت شورائی میتواند امور جامعه را در خدمت اکثریت عظیم مردم و نه یک درصدیهای مفتخور حاکم، اداره کند.

زنده باد همبستگی مردم برای کمک رسانی به سیل زدگان!  
سرنگون باد جمهوری اسلامی!  
زنده باد حکومت شورائی!

حزب کمونیست کارگری ایران  
۶ فروردین ۱۳۹۸، ۲۶ مارس ۲۰۱۹

### زنده باد انسانیت و همبستگی انسانی



حزب کمونیست کارگری مردم در سراسر کشور را به تداوم کمک رسانی به سیل زدگان و تجمعات اعتراضی برای رسیدگی فوری حکومت به مشکلات سیل زدگان فرامیخواند.

### کمک مالی به کمیته کردستان

شری میرایی. ۱۰۰ دلار. علی قنبری ۵۰ دلار.  
علا فرهادپور ۵۰ دلار صادق احمدی ۵۰ دلار.  
مجید آذری ۵۰ دلار محمد نعمتی ۵۰ پیورو.  
زاهد مولودی ۲۰ پوند

حزب کمونیست کارگری مردم در سراسر کشور را به تداوم کمک رسانی به سیل زدگان و تجمعات اعتراضی برای رسیدگی فوری حکومت به مشکلات سیل زدگان فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۹ فروردین ۱۳۹۸، ۲۹ مارس ۲۰۱۹

### علیه فاجعه سیل و علیه فاجعه جمهوری اسلامی!

فاجعه سیل هر روز ابعاد دهشتناک تری بخود میگیرد. دهه نافر جان باخته اند، هزاران نفر در استان های گلستان و فارس و خوزستان و لرستان هست و نیست خود را از دست داده اند و چندین استان دیگر در معرض خطر سیل قرار دارند. این صرفا یک سانحه طبیعی نیست، یک فاجعه سیاسی اجتماعی است. جمهوری اسلامی نه

تنها هیچ اقدام پیشگیرانه و بعد از وقوع این فاجعه کوچکترین اقدامی برای رسیدگی به وضعیت قربانیان آن انجام نداده است بلکه خود با جنگل خواری و زمین خواری و خانه سازی در حریم و بستر رودخانه ها و مسدود کردن مسیل ها و عدم رسیدگی به وضعیت سدها و آبگیرها و غیره عامل اصلی در ایجاد فاجعه سیل بوده است. در این مورد نیز مثل همه موارد دیگر هدف و اساس سیاستهای حکومت نه امنیت و آسایش مردم بلکه پر کردن جیبهای گشاد مقامات و آیت الله های میلیاردر و اعوان و انصارشان بوده است.

فاجعه سیل یکبار دیگر و روشن تر و برجسته تر از همیشه بما نشان میدهد که منشاء و ریشه همه مسائل و مصائب گریبانگیر جامعه جمهوری اسلامی است. این تجربه دردناک یکبار دیگر بر مبرمیت بزیر کشیدن جمهوری اسلامی تاکید میکند. برای مصون ماندن جامعه از صدمات سیل، حکومت را باید سیل ببرد!

سیل و عواقب آن همچنین یکبار دیگر اهمیت همبستگی و سازمان یافتن ما مردم برای حل و فصل مسائل خود را برجسته میکند.

چند ماه قبل در اوج اعتصاب کارگران هفت تپه اسماعیل بخشی پرچم شوراها را برافراشت، از اداره هفت تپه بوسیله شورای کارگران سخن گفت و بدنبال آن اداره شورائی به گفتمان

### ماموران نیروی انتظامی علیه مردم معترض آق قلا از گاز اشک آور استفاده کردند.



ارگانهای سرکوب حکومت با امنیتی کردن استان گلستان از حضور تیم های امداد مردمی که داوطلبانه میخواهند به سیل زدگان کمک کنند، جلوگیری میکنند. علیرغم این محدودیت ها مردم در شهرهای مختلف مشغول جمع آوری کمک و اعزام کاروان های بزرگی از وسایل نقلیه برای رساندن وسایل مورد نیاز سیل زدگان هستند.

زنده باد همبستگی مردم برای کمک رسانی به سیل زدگان!

## اطلاعیه های حزب

### سیل زدگان آق قلا دست به تجمع اعتراضی زدند مردم شیراز خواهان استعفا وزیر شدند



طبق گزارشی که اتحادیه آزاد کارگران منتشر کرده است، امروز جمعه ۹ فروردین مردم آق قلا در استان گلستان در مقابل فرمانداری شهر دست به تجمع زدند و به بی توجهی حکومت در رسیدگی به وضعیت اسفبار خود اعتراض کردند. مردم آق قلا در این تجمع از کمک صیادان محلی و بطور مشخص صیادانی که از بندرترکمن، خواجه نفس، چپاقلی و چارقلی با هزینه شخصی و با قایق های خود برای کمک به سیل زدگان به آق قلا رفته بودند، قدردانی کردند. گفته میشود که روز چهارشنبه ۷ فروردین نیز جمعی از مردم سیل زده آق قلا در برابر سیلوی شهرداری که به عنوان مرکز دپوی کمک های مردمی از آن استفاده می شود دست به تجمع زدند. ماموران نیروی انتظامی که تلاششان برای متفرق کردن مردم به جایی نرسید، بیشتر مانه از گاز اشک آور استفاده کردند.

در شیراز نیز مردم دست به تجمع در بزرگداشت جانبازان سیل زدند و علیه حکومت شعار دادند یکی از شعارهای مردم وزیر بی لیاقت استعفا استعفا بود.



حکومت جنایتکاران و مفتخورانی که خود عامل فاجعه سیل در استانهای مختلف کشور بوده است، نه حاضر است و نه توانایی حل ساده ترین معضلات مردم را دارد اما در عوض کمک های مستقیم مردم را ممنوع کرده، حساب های کمک به سیل زدگان را مسدود کرده و کسانی که در مورد این فاجعه خبررسانی میکنند را به اتهام بزرگنمایی مورد تهدید قرار داده است. ارگانهای سرکوب حکومت علاوه بر این با امنیتی کردن استان گلستان از حضور تیم های امداد مردمی که داوطلبانه میخواهند به سیل زدگان کمک کنند، جلوگیری میکنند. علیرغم این محدودیت ها مردم در شهرهای مختلف مشغول جمع آوری کمک و اعزام کاروان های بزرگی از وسایل نقلیه برای رساندن وسایل مورد نیاز سیل زدگان هستند.

# سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## نبض کومه له کجا میزند؟

### عبدل گلپریان

سازمانهای سیاسی از هر گروه و دسته شناخته شده ای آنهم بعد از گذشت نزدیک به یک ماه از این اجلاس و انتشار آن در چند سایت کومه له را مجاب کرده است که حقیقت ماجرا را با عبارت "سوتفاهم" توضیح دهد؟

میگویند با توجه به رابطه ای که در ماههای اخیر وجود داشت نمیشد یک تماس گرفته شود و سؤال شود که چرا امضای کومه له پای چنین بیانیه ای است؟

این همان دیپلماسی پر پیچ و خم کومه له است که عمیقا غیر سیاسی است و مملو از دیپلماسی آمیخته به اخلاقیات .

کومه له قبل از اینکه نگران این افتضاح سیاسی و دور شدنش از چپ باشد نگران این است که این موضوع لطمه ای به روابطش با سازمانهای امضا کننده بوجود نیارد و این عمق نگرانی کومه له است.

گیریم کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری "خبیث، شیطان، غیر قابل اعتماد و هزار و یک انگ دیگر" اما آیا میتوانید توضیح دهید که چرا ۲۵ روز سکوت کرده اید؟ حکمت این سکوت طولانی چیست؟ آیا سازمانهایی که اسم کومه له را "به اشتباه" قید کرده اند حاضرند رسماً و علناً از کومه له عذرخواهی کنند؟ آیا کومه له بطور رسمی و علنی یادداشت اعتراض آمیزی برای این "اشتباه" آنان منتشر کرده است؟

اینها سئوالاتی است که لازم است کومه له به آنها پاسخ دهد حتی اگر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری برای آنان ابداً جای هیچگونه اعتمادی نباشد و هیچگونه جایگاهی در میان نیروهای چپ و کمونیست هم نداشته باشد. اصول و پرنسپهای سیاسی و کمونیستی حکم میکند حقیقت را برای افکار عمومی توضیح داد.

واکنش کومه له به اطلاعاتیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری عمیقا نشان داد که نبض کومه له کجا میزند. ۳۰ مارس ۲۰۱۹

ترجیح دادم بجای پاسخ مورد به مورد به دوستانی که در صفحه من و زیر اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری کامنت نوشته اند، جداگانه این یادداشت را بنویسم که پاسخی به این کامنتها نیز هست.

چند نکته در رابطه با پاسخ دبیرخانه کومه له پیرامون امضای سازمان کردستان حزب کمونیست ایران کومه له در بیانیه مورد بحث. این دوستان تیتیر نوشته شان را با این جمله شروع کرده اند که: "حزب کمونیست کارگری شایسته هیچگونه اعتمادی نیست و جایگاهی در میان نیروهای چپ و کمونیست ندارد".

هر خواننده و ناظر بیطرفی این تیتیر و موضع گیری کومه له را بخواند به این فکر میکند که اگر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری سکوت پیشه میکرد برای کومه له شایسته اعتماد میبود؟ پاسخ مثبت است چرا که برای کومه له در سکوت، مماشاش، دیپلماسی و.. همه چیز بخیر و خوشی خواهد گذشت.

شخصاً برابم قابل درک است که دنیای دیپلماسی کومه له در چنین دایره ای جولان میدهد و بنا به ملاحظات دیپلماسی که امروز به بخشی از سیاست پایدار در عملکرد کومه له تبدیل شده است مبیایست حزب و سازمان دیگری حرفی نزنند وگرنه دیگر جای اعتماد نخواهد بود.

برای این دوستان اعتماد و اطمینان یعنی دیپلماسی در میان احزاب و سازمانهای ناسیونالیست کرد و اسلامی آنهم در قطب پ ک و اقمارش که با جمهوری اسلامی همسو است.

دوستان کومه له بجای این نوع موضعگیری ها بهتر بود این را توضیح میدادند که چرا و به چه دلیل ۲۵ روز بعد از انتشار این بیانیه سکوت اختیار کرده اند؟ کدام سو تفاهم در میان احزاب و

## تجربه سیل یکبار دیگر ضرورت و مطلوبیت اداره شورائی جامعه را در برابر چشم همگان قرار میدهد.



تنها حکومت شورائی میتواند امور جامعه را در خدمت اکثریت عظیم مردم و نه یک درصدیهای مفتخور حاکم، اداره کند.

زنده باد همبستگی مردم برای کمک رسانی به سیل زدگان!  
سرنگون باد جمهوری اسلامی!

## شوراهای سازماندهی اعتراضات را در همه جا ایجاد کنیم

روند انقلابی که از دیماه ۹۶ شروع شد با فاصله های هر بار کوتاهتری ادامه می یابد و مردم بیشتری حول مسائل و خواست های خود با روحیه ای تعرضی تر به میدان می آیند. توازن قوا به نفع مردم و سازمانیابی مردم در اشکال مختلف تغییر کرده و دورانی از تلاطم های انقلابی آغاز شده است. توده های مردم دریافته اند که برای رهایی از رنج و مشقتی که بر زندگی آنها حاکم شده است، راهی جز سرنگونی حکومت ندارند. حکومت در بی افقی، استیصال و در هم ریختگی هر چه بیشتر دست و پا میزند و توان ادامه کنترل جامعه به شکل سابق را ندارد. در چنین شرایطی لازم است سرعت متشکل شویم، تشکل های مناسب این دوره را ایجاد کنیم و سازمانیافته و با نقشه مسیر سرنگونی را با دخالت هرچه بیشتر توده های مردم و با قدرت و با کمترین مخاطره به پیش ببریم .

یک ابزار مهم هدایت و سازماندهی مبارزات در این شرایط، شوراهای سازماندهی اعتراضات است. شوراهای سازماندهی میتوانند در محلات و شهرها وسیعاً ایجاد شوند و سازماندهی مبارزات را بهبود ببخشند. شوراهای سازماندهی شکل مناسب هدایت اعتراضات و اعتصابات توده ای و سراسری در شرایط حاضر است که میتوانند در هر محل و شهر و منطقه ای اعتراضات مردم را رهبری کنند، مردم را حول خواست های سیاسی و رفاهی و حول خواست های آزادیخواهانه و عدالت طلبانه متحد نگهدارند، جلو شعارها و تاکتیک های انحرافی را بگیرند و در واقع نقش رهبری میدانی مردم را بهبود ببخشند. رهبران و فعالین کارگری و اجتماعی از تجارب گرانقدری در سازماندهی برخوردارند و در ایجاد این تشکل ها میتوانند نقش بسیار مهمی ایفا کنند .

شوراهای سازماندهی در شرایط کنونی اساساً مخفی هستند اما در اولین شرایط مناسب اعلام موجودیت میکنند و علنی میشوند. شوراهای سازماندهی ایجاد شوراهای مردم برای اداره جامعه را در مراحل بعدی تسهیل میکنند .

حزب کمونیست کارگری فعالین سیاسی و اجتماعی و فعالین و رهبران کارگری و جوانان معترض را فرامیخواند که در هر شهر و محلی که میتوانند، دست به کار ایجاد این شوراهای شوند. فعالین میتوانند تعداد هر چه بیشتری از کسانی را که میخواهند در این شرایط علیه حکومت و برای پیشروی انقلاب فعالیت کنند، در این شوراهای جمع کنند، با استفاده از روابط و امکانات خود و با استفاده از مدیای اجتماعی حلقه تماس خود با مردم شهر را گسترش دهند و خود را برای ایضای نقش در شرایطی که جامعه وارد تلاطم انقلابی شده و مبارزات روزبهروز تعرضی تر و گسترده تر میشود، آماده کنند .

جامعه ایران وارد دوره تازه و تعیین کننده ای شده است. شوراهای سازماندهی یک پاسخ مهم برای استقبال از این شرایط است. حزب کمونیست کارگری از هر اقدام و ابتکار عملی در این راستا حمایت میکند و از تبادل نظر و شنیدن نظرات و پیشنهادات فعالین برای شکل دادن به شوراهای سازماندهی به گرمی استقبال میکند .

حزب کمونیست کارگری ایران